

# بازبان حقوقی گره از کار مردم باز می‌کنیم

گپ و گفتی با یک وکیل درباره دشواری وظیفه و تصورات غلطی که درباره این شغل وجود دارد



قانون و ماده و تبصره. این ابزار کار و کلاست. ابزاری که تنها دانستن‌شان کفایت نمی‌کند و باید بلد باشند از این موارد در جایگاه خودشان استفاده کنند. تلویزیون و سینما همیشه دو تصویر از وکلای پیش روی ما می‌گذارند: شخصیت رندی که دستش با مجرم در یک کاسه است و خرابکاری‌هایش را ماست مالی می‌کند یا فرد ثروتمندی که از تمام زندگی‌اش می‌زند تا بی‌گناهی را از خطایی که به اشتباه بر گردنش افتاده، برهاند. ابزار هر دو نیز همان چیزهایی است که در ابتدا ذکر‌شان رفت. اما واقعیت کدام است؟

## گزارش

### انتخاب اشتباهی که راه درست را نشان داد

عاطفه ۵۳ ساله، حدود ۱۳ سال است که در بایلسر با پروانه و کالت خود، تلاش می‌کند گره از مشکلات دیگران باز کند. اینکه نسبتاً دیر وارد عرصه و کالت شده، برای خودش داستانی دارد که او آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «دیپلمم را که گرفتم، تصمیم داشتم دیگر درس نخوانم و کار کنم. همان زمان منشی یک پزشک شدم و مشغول کار. خیلی‌ای از کارم راضی نبودم به همین دلیل تصمیم گرفتم پزشک شوم، دو سال پشت کنکور تجربی ماندم و هر بار نتوانستم، رتبه مورد نظرم را کسب کنم» دو سال شکست در کنکور تجربی، او را راضی می‌کند که بالاخره به همان سمتی برود که واقعا دوست دارد. سال بعد، کنکور انسانی می‌دهد و رتبه تکرر قمی‌اش نشان می‌دهد که این بار در انتخاب مسیرش اشتباه نکرده است. او هم رشته حقوق را در دانشگاه تهران انتخاب می‌کند و سال‌های دانشجویی را از سر می‌گذراند: «بعد از آنکه فارغ‌التحصیل شدم، به‌خاطر علاقه‌ای که به رشته‌ام داشتم، دوست داشتم در حوزه تحصیلی خودم کار کنم، بنابراین بلافاصله استخدام رسمی بانک شدم که وعده داده بود از من در قسمت حقوقی استفاده کنند.» عمل نکردن به این وعده سبب می‌شود تا عاطفه راه خود را از بانک سوا کند: «بعد از پنج سال که دیدم این اتفاق نمی‌افتد و باید کارهای حسابداری و امور این چنینی را انجام دهم، از بانک استعفا دادم. با این امید که بعد از استعفا، فعالیت در رشته حقوق را آغاز کنم.»

## شغلی پویا و به‌روز

اینکه چرا از بانک استعفا داده و این قدر اصرار داشته که حتماً فعالیتش را در حوزه حقوق پی بگیرد، به مولفه‌هایی برمی‌گردد که او در شغل وکالت می‌بیند: «من و کالت را دوست داشتم و دارم، چون به‌روز و بسیار پویاست. در این شغل دائماً با مردم در ارتباطی و مجبوری دائماً با قوانین سروکار داری و هیچ‌وقت چیزهایی را که در دانشگاه خوانده‌ای، فراموش نمی‌کنی. به‌علاوه تمام این‌ها، اختیار این کار در دست



المیرا حسینی

روزنامه‌نگار



### شغل ماطوری است که هیچ‌کس زمان خوشحالی به آن مراجعه نمی‌کند. همه وقتی سراغ وکیل می‌روند که با مشکل سختی مواجه باشند که خودشان از پس حل کردنش بر نمی‌آیند. هر کسی گرفتاری‌هایش را پیش وکیل می‌برد. برای همین گاهی ممکن است با مشکلات موکل خیلی درگیر شوید

## پوشش

## ۲۴ ساعته

## رویدادهای

## حوزه رفاه

## و تأمین اجتماعی



www.tamin24.ir

@www.tamin24ir



بهادر امیر حسینی

وکیل دادگستری

## دورنمای جذاب

درباره واقعیت‌های شغل وکالت

## ضدروایت

وکالت در ابتدای کار، جذاب و گیراست. خوب یا بد حادثه توام با نگاه جنسیتی، شغل مردانه‌ای ترسیم شده. مردی کیف به‌دست، با پالتو و بارانی، ادکلن گرم و شیرین و ایضا کراوات و خودنویس خوش‌دست ایتالیایی بر دست بر کاغذی و رای ۸۰ گرم‌های معمول و مرسوم، لایحه نوشته و از موکل دفاع می‌کند.

خود وکیل است. می‌توانی گزیده کار کنی و وقت آزاد بیشتری داشته باشی. می‌توانی حتی انتخاب کنی که به چه حوزه‌ها و پرونده‌هایی وارد شوی. البته اگر درگیر پرونده پرچالشی بشوی، ایسن پرونده می‌تواند تا مدت طولانی، وقت و انرژی زیادی از وکیل بگیرد. «اوامتحان‌هایی که برای گرفتن پرونده و کالت لازم است، می‌دهد و هم‌زمان با آن، زندگی خانوادگی‌اش را هم اداره می‌کند: «برای گرفتن پروانه و کالت هم باید از صافی‌گزینش عبور کنی، هم آزمون اختیار را از سر بگذرانید که نوعی سنجش علمی است. من این سختی‌ها را به جان خریدم و پروانه‌ام را گرفتم. بعد از آن هم مدتی کارآموزی کردم تا بتوانم در نهایت دفتر خودم را تأسیس کنم. از نظر مالی اوایل کار سخت بود و هزینه‌ها جور در نمی‌آمد. به‌خصوص که در ابتدا به وکیل پروانه پایه‌دومی‌دهند که براساس این پروانه نمی‌تواند در یکسری پرونده‌ها ورود کند و کارش محدود است. من پس از یکی، دو سال که این‌طور کار کردم، توانستم پایه یک بگیرم.»

## وکلا در کنار قانون

با وجود همه سختی‌ها و زحماتی که برای رسیدن به شغل وکالت کشیده، بزرگ‌ترین چالش آن را نه مسیری که طی کرده، بلکه نگاه اشتباه به وکلا می‌داند: «گاهی وکیل را به چشم دشمن قانون، نگاه می‌کنند. کسی که با مجرم هم‌دستی می‌کند تا دادگاه را شکست دهد. در حالی که این‌طور نیست. وکلا کاری می‌کنند که وظایف مسئولان رسیدگی‌کننده به پرونده سبک شود. شما اگر شکایتی را طرح کنید و وکیل نداشته باشید، به مشکل برمی‌خورید و دائماً مسئولان رسیدگی به شما می‌گویند که چرا فلان کار را انجام ندادید و باید راهنمایی‌تان کنند. در حالی که وکلای می‌توانند همه مراحل را به‌شیوه درست پیش ببرند و در کنار سیستم قانونی باشند.» به همین دلایل، او معتقد است، کسی که علاقه‌ای به کار نداشته باشد و صرفاً به‌خاطر ویژگی‌های مالی بخواهد وارد این کار شود، به مشکل برمی‌خورد: «برای کسی که علاقه‌مند به این حوزه نیست، وکالت، شغلی فرسایشی و خسته‌کننده

بتواند زندگی شخصی‌اش را از این موضوعات جدا کند و احساساتش را در موضوع دخیل نکند. در غیر این صورت درگیری‌های روحی و روانی بسیاری را تجربه می‌کنید. به‌خصوص که گاهی می‌بینید مشکلات افراد به‌خاطر نادانی از حق و حقوقشان است. اینکه تأثیر حرف و عمل و نوشته‌شان را نمی‌دانند. برای همین من همیشه به همه افراد توصیه می‌کنم که در هر مرحله اول بدانند چه حقوقی در قانون برایشان وجود دارد و بعد هم شیوه‌های حفظ آن را یاد بگیرند. توصیه دیگرم این است که وقتی موضوعی برایشان ناشناخته است و به همه جواب آن آگاهی ندارند، پیش از هر اقدامی با یک وکیل مجرب مشورت کنند. اجازه‌دهند که به مشکل برخوردند و بعد سراغ وکیل را بگیرند.» عاطفه معتقد است که همه این‌ها نیاز به فرهنگ‌سازی دارد تا آگاهی جامعه از حق و حقوق هر فردی بالا برود. امری که می‌تواند به‌نحوی از تنش‌های اجتماعی آتی جلوگیری کند. او از سال‌هایی که وکالت را پیشه خود کرده است، خاطرات متفاوتی دارد که به‌دلیل درگیری با مشکلات، آن‌ها را شیرین نمی‌داند. فقط زمانی شیرینی کار به چشمش می‌آید که توانسته باشد گره از کار کسی باز کند و بانسان دادن حقوقی که قانون برای فرد در نظر گرفته، او را شاد کند: «یکی، دو مورد در زمینه فسخ نکاح در ذهن دارم که فرد واقعا مستاصل شده بود و وقتی راه‌قانونی را نشانش دادم، خیلی خوشحال شد. همچنین در زمینه سه‌ام‌الارث هم کسانی بوده‌اند که به‌دلیل ناتوانی و ناآگاهی‌شان نمی‌توانستند از حقوق خود دفاع کنند و من توانستم به آن‌ها کمک کنم که این هم باعث شادی‌ام شده و خاطره خوبی در ذهنم گذاشته است. به‌طور کلی وقتی یک وکیل در کنار شما باشد، شجاعت پیدا می‌کند و افراد نااهلی که سعی در ارباب‌شمار دارند، دستشان کوتاه می‌شود. خوبی این کار این است که به افراد ضعیف‌تر جامعه قدرت می‌دهید تا حتی از شان پامال نشود.»

## دشواری جدا کردن کار از زندگی

عاطفه که حالا یک وکیل کارکشته است، یکی دیگر از چالش‌ها و سختی‌های این شغل را مواجهه دائمی با کسانی می‌داند که در زمان اضطرار و ناچارگی به وکیل پناه می‌برند: «شغل ماطوری است که هیچ‌کس زمان خوشحالی و شادی به آن مراجعه نمی‌کند. همه وقتی سراغ وکیل می‌روند که با مشکل سختی مواجه باشند که خودشان از پس حل کردنش بر نمی‌آیند. مشکلات خانوادگی، مال‌باختگی، نقص عضو... هر کسی گرفتاری‌هایش را پیش وکیل می‌برد. برای همین گاهی ممکن است با مشکلات موکل خیلی درگیر شوید و این می‌تواند زندگی خانوادگی‌تان را تحت‌تأثیر قرار دهد. برای همین یک وکیل باید

چشم یک بستر و بنگاه شغل‌یابی نگریسته شد. فارغ‌التحصیل حقوق با هزار امید و آرزو و با تصور شغلی بدون تنش با درآمد افسانه‌ای وارد عرصه می‌شود، اما شروع ماجرا جور دیگری است. ولی پس‌زمینه صدراذکر به‌قدری قوی است که تا پتک واقعیت به‌صورت مابر‌خورد نکند، آن را درک نخواهیم کرد. حسن وکالت و زیبایی آن، درک سختی، معایب، فشار و نحوه مواجهه با بزنگاه و فراز و فرودهای حقوقی و قضایی است و پس از گذشت زمان به‌گرد تجربه آغشته می‌شود و احساس خوبی در وجودش آشکار.

چشم یک بستر و بنگاه شغل‌یابی نگریسته شد. فارغ‌التحصیل حقوق با هزار امید و آرزو و با تصور شغلی بدون تنش با درآمد افسانه‌ای وارد عرصه می‌شود، اما شروع ماجرا جور دیگری است. ولی پس‌زمینه صدراذکر به‌قدری قوی است که تا پتک واقعیت به‌صورت مابر‌خورد نکند، آن را درک نخواهیم کرد. حسن وکالت و زیبایی آن، درک سختی، معایب، فشار و نحوه مواجهه با بزنگاه و فراز و فرودهای حقوقی و قضایی است و پس از گذشت زمان به‌گرد تجربه آغشته می‌شود و احساس خوبی در وجودش آشکار.

## ترجمه

گفت‌وگو با باب اسمیت  
وکیل مدافع جنایی

## دروغگوها ناراحت می‌کنند

خب باب، از چه زمانی شروع به کار در حوزه حقوق جزا کردید و چرا این حوزه؟  
من در سال ۱۹۸۸ بعد از گرفتن مدرک خود، به‌عنوان یک وکیل شروع به کار کردم و از سال ۱۹۹۵ به‌صورت متمرکز در حقوق جزا مشغول شدم. من از روی اضطرار وارد این کار شدم. بعد از گرفتن مدرکم در سه آژانس دولتی به‌عنوان وکیل در حوزه کشاورزی و طبیعت کار می‌کردم. آن زمان جوان بودم و بی‌دغدغه. در سال ۱۹۹۴ از دواج کردم و صاحب دو فرزند شدم. حقوق ماهیانه کارمندی دیگر جواب‌گو نبود. وام کوچکی گرفتم و دفتری خریدم. از هر مودی که پیش می‌آمد استقبال می‌کردم و موارد جزایی و خانوادگی، بیشترین تعدد را داشتند.

## معمولاً در هر زمان چند

## ارباب رجوع دارند و زمان‌بندی

## روزانه‌تان در روز معمولی چگونه است؟

معمولاً پنج روز در هفته در دادگاه هستم و به‌طور متوسط هر روز با بیست نفر از موکلانم در ارتباطم. من ساعت ۸:۳۰ وارد دفتر می‌شوم و پیام‌هایم را چک می‌کنم. از ساعت ۹ تا ۱۰، پرونده‌هایی که وکلای همکارم برایم فرستاده‌اند بررسی می‌کنم تا برای ارائه در دادگاه آماده شوم. سپس در دادگاه مشغول پیش‌بردن کار موکلانم، مانند انجام کارهای اداری آن‌ها برای خروج از زندان یا مشاوره دادن هستم. از ساعت دوازده تا یک ظهر به خودم استراحت می‌دهم تا سرم داغ نکند و دیوانه نشوم! از ساعت یک تا چهار با قاضی‌ها در ارتباطم که امضاهای لازم برای پرونده‌های مختلف را جمع‌آوری کنم و از ساعت ۵ به بعد هم مشغول مطالعه پرونده‌ها و بررسی حقایق آن هستم.

## چگونه راضی می‌شوید و کالت

## مجرمان را برعهده بگیرید؟

به راحتی! اکثر افرادی که ما با آن‌ها سروکار داریم، انسان‌های شوری نیستند، بلکه افرادی نسبتاً معمولی‌اند که به‌دلیل مشکلاتی مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکلی، روابط بد یا عدم سلامت روان، تصمیم‌های اشتباهی می‌گیرند که منجر به شکستن قوانین می‌شود. بعضی از آن‌ها هم افراد نرمالی هستند که برای مدت کوتاهی احق می‌شوند و دست به کارهای عجیب‌وغریبی می‌زنند. در صورت مواجهه با افراد شرور، سعی می‌کنم بهترین خودم باشم و امیدوار می‌مانم که تیم حقوقی مقابل من بتواند با قدرت، به آشکارسازی حقایق بپردازد.

## کدام قسمت شغل خود را

## می‌پسندید؟

جواب این سوال بسیار آسان است. تمامی افرادی که در سیستم حقوقی مشغول به کار هستند می‌دانیم که با سخت‌ترین مشکلات درگیر هستیم و نیازی نیست تا بیشتر از این شرایط را برای خودمان و دیگران سخت کنیم، در نتیجه همه با هم بسیار دوستانه رفتار می‌کنیم. در عین حالی که نظرات متفاوتی در مورد بعضی موارد داریم. در کار خود چه چیزی را کمتر می‌پسندید؟  
دروغگوها! من با فردی که صادقانه می‌گوید «بله، من سه بار به او با جاقو ضربه زدم» مشکلی ندارم. ولی افرادی را که می‌گویند «ببینید، من در گوشه‌ای گیر افتاده بودم و او هفتاد و سه بار از پشت به سمت جاقوی من دودید» نمی‌توانم تحمل کنم.